



بوسه بر دست بهار

عصرها وقتی که باران می‌زند
گل به گیسوی درختان می‌زند

آسمان با یک بغل گنجشک خیس
سر به صحرا و بیابان می‌زند

بر چمن‌ها می‌دود آهوی باد
قاصدک چرخ می‌زند در ایوان می‌زند

باغبان با خاک خواب آلود، باز
حرف از گل‌های گلدان می‌زند

دشت پرگل، با لب پروانه‌هاش
بوسه بر دست بهاران می‌زند

• سعیده اصلاحی

نوروز

با این که برف ریز و آرامی
از آسمان می‌ریخت

سرما و سوزی سخت در کوچه
همراه آن می‌ریخت

بشقاب گندم در اتاقم گفت:
رویدم

در خنده‌ی سبزش
نوروز را دیدم

• منیره هاشمی

• تصویرگر: شیوا ضیائی